صفاءالدین تبرائیان
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیستم، شمارهٔ ۸۰ «ویژهٔ باورشناخت»، پاییز ۱۴۰۲، ص ۱۸۲-۱۸۵

فقیه مورّخ؛ در رثای آیت‌اللّٰه سید محمدمهدی خرسان

صفاءالدین تبرائیان[1]

سپیده‌دم یکشنبه یکم ربیع‌الاول ۱۴۴۵ق/ ۲۶ شهریور۱۴۰۲ش، محله الحویش شهر نجف اشرف و ساعاتی بعد جهان تشیع در فقدان عالمی نامدار و محققی کم‌نظیر به سوگ نشست. پایان صفر آغاز سفر آخرت حضرت آیت‌الله سید محمدمهدی خرسان شد؛ به ناگاه حوزه مقدسه پایتخت شیعیان در دو سال باقیمانده به ألفیه‌اش دانشوری کبیر و یکی از احیاگران میراث علمی‌اش را از دست داد.

سید محمدمهدی، فرزند سید حسن، ۹ رجب ۱۳۴۷ق در دیارعلوی دیده به جهان گشود. آیت‌الله سید حسن خرسان، بزرگ این خاندان در روزگار معاصر، سیدی مقدس، با وقار و ذوهیبت و فقیهی مدقق، که در روضه حیدری نماز جماعت را اقامه می‌کرد و صاحب پژوهش‌ها و تألیفاتی بود. ایشان از تلامذه حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمدحسین نائینی، شیخ ضیاءالدین عراقی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ علی قمی، شیخ نعمت‌الله دامغانی به‌شمار می‌آمد. سید حسن حدود چهار دهه قبل، مورخ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۰۵ق/ ۱۴ بهمن ۱۳۶۳ش در نجف دعوت حق‌تعالی را لبیک گفت و در حجره شماره ۱۰ حرم امیرمؤمنان علیه‌السلام سر بر تراب نهاد.

اولین آموزگار محمدمهدی مادرش بود که به او قرآن آموخت و در محضر پدرش با حدیث، سیره و رجال آشنا شد. پس از گذران مراحل مقدمات و سطح در خدمت آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ محمدرضا عامری، سید محمود حکیم، شیخ محمدعلی تبریزی، محمدعلی اردوبادی و عبدالحسین امینی، در درس خارج آیات عظام: سید ابوالقاسم

---

۱. پژوهشگر تاریخ اسلام.

خوئی، سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی، حاضر شد و زانوی ادب و تلمذ بر زمین نهاد.

مشایخ سید محمدمهدی در نقل حدیث و روایت فراوانند: از اساطین امامیه می‌توان از: شیخ آقابزرگ تهرانی، میرزاحسن بجنوردی، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید علی بهبهانی، سید عبدالأعلی سبزواری، سید مرتضی خلخالی، سید علی بهشتی، نام برد؛ و از فحول اهل سُنَّت می‌توان به: شیخ محمدابی الیسر، شیخ محمدصالح قادری شامی، سید علوی بن عباس مالکی مکی، شیخ حماد انصاری، سید بن حمزه نقیب شامی، حبیب محمد بن علوی حضرمی مالکی، مجدالدین مؤیدی یمانی، اشاره کرد.

یادآور می‌شود که «آل خرسان» از سادات موسوی سرشناس ناحیه بین‌النهرین به‌شمار می‌آیند که به خاطر انتساب‌شان به ابی‌الفتح أخرس، شهره به خرسان شدند. نسب أخرس به سید محمد عابد، فرزند امام کاظم علیه‌السلام می‌رسد. أخرس در حومه کربلا مرقدی دارد؛ قبرش زیارتگاه مردم و صاحب کراماتی است.

پیشتر خاندان خرسان به خاطر انتساب به محمد حائری معروف به معصوم، که سید جلیل‌القدر و مقدسی بود سرشناس به آل معصوم بودند و به‌زعم برخی پژوهندگان نسب این خاندان به سید ابراهیم مجاب می‌رسد و در نهایت به امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام.

سید مهدی خرسان از اعضای برجسته جمعیت منتدی‌النشر بود؛ جمعیت مردم نهادی که به اهتمام آیت‌الله شیخ محمدرضا مظفر تأسیس شد و مبادرت به احداث مدارس منتدی‌النشر برای تربیت نسل مکتبی و آگاه نمود. این فقیه مجتهد، مورخ، ادیب، تراجم‌نگار و سیره‌نویس که پس از درگذشت پدرش در مسجد شیخ انصاری نجف، نماز جماعت را اقامه می‌کرد، همه عمرش را به تحقیق و تألیف گذراند. ایشان در حوزه‌های فقه، عقاید، تاریخ، ادبیات، حدود چهل عنوان تألیف بر جای نهاد و در ساحت تصحیح آثار خدمات شایان‌توجهی را ماندگار کرد. آنچه از اشتغالات علمی‌اش می‌دانیم، تألیف ۲۳ عنوان اثر؛ در بخش تصحیح ۲۹ عنوان کتاب؛ رسائل غیرچاپی ۱۳ عنوان؛ و چهار اثر که بر اثر تطاول روزگار از بین رفته است.

از منظری اثر جاودانه ایشان «موسوعه ابن عباس»، پسر عم نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله و صحابی جلیل‌القدر است. این اثر حاصل هفتاد سال عمر آن عالم پر توان و خرد ورز ژرف‌اندیش است که در ۲۱ مجلد، چند سال قبل از سوی «مرکز الأبحاث العقائدیه» مرجع عالیقدر سید علی سیستانی (دام ظله) در قم منتشر و برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین گردید. در «موسوعه عبدالله بن عباس، حبرالأمه و ترجمان القرآن» هرچه درباره ایشان ذکرشده، آمده است.

از دیگر آثار مانای آن نگاهبان فرزانه و مرزبان حدود و ثغور میراث شیعه «موسوعه ابن أدریس» است که در ۱۴ جلد مهیا گردید. همچنین بنا به تکلیف مرجع نامدار سید ابوالقاسم خوئی، أرجوزه ۱۶۶ بیتی معظم‌له درباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام، را در ۳ جلد و با عنوان «علی، امام‌البرره» شرح داد که در نوع خود شاهکاری است. سید خوئی با وجود آن که ایرانی است، اما بسیار فصیح در وصف حضرت امیر و ولایت و امامت ابوالأئمه شعر سروده و سید خرسان انصافاً با نثری قوی و مستدل مبادرت به توضیح و تبیین نموده‌اند.

سید محمدمهدی خرسان در کتاب «محسن السبط، مولود أوسقط؟» که وسیع‌ترین اثر درباره حضرت محسن علیه‌السلام به‌شمار می‌آید و در حدود پانصد صفحه است، اوج تسلط خود بر منابع اهل سنت را آشکار کرده است. سید محمدمهدی اهل سیاست نبود، لیک اوضاع دنیای اسلام و جهان عرب را رصد می‌کرد و نسبت به آنچه درباره مذهب اهل بیت علیهم‌السلام نوشته می‌شد حساس بود و در برابر تحریف‌ها و بد فهمی‌ها با نگاهی نافذ و تکاپویی مجدانه، روشنگری می‌کرد که نمونه آن را می‌توان در نوشتار بی‌نامش «مجرد اشارة الی‌الدکتورعمارة» ملاحظه کرد.

بی‌تردید اطلاق دائره‌المعارف تراث شیعی و کتابخانه متحرک و علمدار و ادامه دهندهٔ راه شیخ آقابزرگ، علامه امینی، علامه قرشی به آن خاکسار ناب معارف اهل بیت علیهم‌السلام، به خاطر مساحت آگاهی‌ها و معارف اصیلی که آن را از معادن جواهر اهل بیت استخراج وألک می‌کرد، بی‌راهه نیست.

آستان مقدس علوی و آستان مقدس حسینی به منظور پاسداشت مقام علمی این فقیه

مورخ کنگره‌ای بین‌المللی را به عنوان «أمناء الرسل» برپا داشتند. شهر نجف طی روزهای ۲۵ و ۲۶ مهر۱۴۰۱ و شهر قم در خلال روزهای ۲ و ۳ آذر ۱۴۰۱، شأن علمی بلندمرتبه این مؤلف و مصحح کبیر متون شیعی را گرامی داشتند. اقدامی بجا و شایسته اما دیرهنگام، چراکه روح آن أسوه پژوهش و تواضع کالبد دنیوی‌اش را در یکم صفر ۱۴۴۵ و در ۹۸ سالگی ترک کرد و روز بعد نماز بر پیکرش در نجف توسط آیت‌الله سید محمدتقی حکیم و در کربلا از سوی حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ عبدالمهدی کربلائی اقامه و در حجرۀ بیست‌ودوم حرم مطهر علوی آرمید.

خوشبختانه تاکنون مجموعه آثار این سرآمد دوران در ۴۶ مجلد به زیور طبع آراسته شده است. آن مرحوم در طول حیات خود سه مرتبه و طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴ق مشرف به حج گردید. به تقریب شیعیان و حوزه‌های علمیه آنها باورمند بودند و آن را ضرورتی حتمی می‌دانست.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.